



اعلامیه حزب حکمتیست

دست در دست ارتجاع!
پ ک ک و طریقه
قادری

همایون گدازگر

بیانیه کنفدرالیسم جوامع کردستان (ک.ج.ک) وابسته به پ ک ک بمناسبت در گذشت یکی از شیوخ مرتجع منطقه درعراق به اسم محمد عبدالکریم کس نزانی را نباید یک اتفاق ساده و تنها به حساب خویشاوندی این جریان با ارتجاع مذهبی در منطقه گذاشت واز کنار آن رد شد .

در بیانیه آمده است: "به نمایندگی از جنبشمان بر این باوریم که در جوهر طریقتها تلاش برای تکی ارزشهای دموکراتیک دین اسلام، معیارهای حقوق و عدالت، مفهوم اخلاقی همکاری و حمایت از جامعه وجود دارد. یکی از گامهای اساسی طریقتها این است که اسلامی محمدی را به شیوهای ناب به مسلمانان نشان دهد، علیه ظلم و ستم ایستادگی کند. طریقت قادری در این راستا اولین طریقت به شمار می آید. طریقت قادری به سبب اینکه از سوی عالمان و دانایان کورد در کوردستان آغاز شده است برای ما واجد ارزش است."

کمیته باورمندیهای ک.ج.ک در ادامه بیانیه از رهروان طریقت قادری دعوت به عمل آورده است تا فعالانه در روند اتحاد ملی خلق کورد جای گیرند و از مبارزه آزادیخواهی خلق کورد حمایت مادی و معنوی به عمل آورند.

اگر چه نزدیکی و سواری دادن به مذهب و ارتجاع در منطقه از کارهای همیشگی جریانانات ناسیونالیست کرد است ، ما برای پ ک ک و اقمار آن از جمله سازمان پزاک، تطهیر مذهب و ارتجاع و خرافات عقب مانده ، در واقع حلقه لولا و همسویی با جمهوری اسلامی و آماده کردن زمینه برای بند و بست و شرکت در برنامه هایی است که رژیم در هنگام خطر خیزش توده ای می تواند به کمک این جریانانات آن را در کردستان در مقابل مردم معترض قرار دهد .

صفحه ۲

اعدام قتل عمد دولتی است!
متحدتر و قویتر علیه حکومت اعدام اعتراض
کنیم!

صفحه ۳

مصاحبه اکتبر با صالح سرداری

در رابطه با کوچ تاریخی مریوان

صفحه ۴

در افشای سیاست واهداف ناسیونالیسم کرد

سعید یگانه

صفحه ۶

مبارزه علیه زن ستیزی در منطقه

در گرو مبارزه علیه ایدئولوژی و جنبش اسلامی است!

آذر ماجدی

صفحه ۸

از کارگران شهرداری مریوان حمایت کنید!

در رابطه با اعتراض کارگران شهرداری مریوان

اسماعیل ویسی

صفحه ۹

اعلامیه حزب حکمتیست

خروش کارگران هفت تپه
۴۸ روز اعتصاب و

مقاومت

صفحه ۱۲

اطلاعیه پایانی جلسه

دفتر سیاسی حزب
کمیونیزم کارگری -

حکمتیست

صفحه ۱۰



دست در دست ارتجاع! پ ک ک و طریقه قادری

برای مرگ این شیخ مرتجع که خانواده و پیشینیان آنها در مزدوری رژیم صدام و دیگر رژیم‌های مرتجع منطقه نزد مردم منطقه معرفه اند، جمهوری اسلامی که جواب عبور کولبران زحمتکش را با گلوله می دهد، با باز گذاشتن مرز اجازه هجوم هزاران نفر از دارویش و مریدان این شیخ مرتجع را برای مراسم سوگواری صادر کرد. همچنین دولت اقلیم کردستان با وجود گسترش ویروس کرونا و نارضایتی توده وسیعی از مردم کردستان عراق در این رابطه، بدون هیچ کنترلی در مرز، به آنها اجازه عبور داد.

سازمان پی کا کا و پژاک به مناسبت مختلف از روحانیون و بقول خودشان ملاهای دینی کردستان پشتیبانی کرده و مردم را به اطاعت از آنها فراخوانده است. شرکت و تبریک همیشگی بمناسبت اعیاد دینی و تشویق مردم به پرداخت خمس و ذکات به ملاهای سنی و غیره جزو برنامه های همیشگی آنهاست.

از طرف دیگر اگر از شروع برنامه های رادیو و تلویزیون احزاب دمکرات با خواندن قرآن و پخش خرافات مذهبی بگذریم، صحبت های مشهور خالد عزیزی دبیر کل حزب دمکرات کردستان دال بر دفاع از جریان مرتجع مفتی زاده در کردستان و حمله به جریانات چپ در کنار آمادگی همیشگی این احزاب برای سازش و بندوبست با جمهوری اسلامی همگی حکایت از آن دارند که جریان ناسیونالیستی در کردستان برای نگهداشتن ارتجاع مذهبی روی سر جامعه و مقدرات مردم در تحولات آتی بیش از همیشه در تلاش و تکاپو است. امروز دیگر به بهانه احترام به عقاید توده ها به مذهب آوانس نمی دهند، بلکه صراحتاً برای شریک شدن آنها در حاکمیت و حاکم کردن احزاب و جریانات مذهبی بر زندگی مردم در کردستان ایران آستین بالا زده اند. درست بمانند احزاب هم جنسشان در کردستان عراق سودای تحمیل و تعمیق مذهبی جامعه کردستان و برپایی لانه های ارتجاع و هزاران منبر و مسجد را در سر دارند. این یکی از ابزارهایی است که کارشان را در بندوبست و گدایی قدرت از جمهوری اسلامی آسان تر خواهد کرد و در واقع بخشی از شرایط رژیم مذهبی ایران را در احترام و باد زدن مذهب و حاکم کردن قوانین آن پذیرفته اند.

اما کردستان ایران حیاط خلوت ناسیونالیسم کرد و جریانات مذهبی همراهشان نیست. بخش اصلی مبارزه چند دهه گذشته علیه جمهوری اسلامی و قوانین آن عملاً مبارزه علیه مذهب و تمام شئونات شوم آن در زندگی مردم بوده است. علیرغم چهل سال تلاش همه جانبه جمهوری اسلامی، همین امروز تنفر از مذهب و حاکمیت آن یکی از روندهای اصلی در مبارزه مردم است و احزاب ناسیونالیست قادر نخواهند بود آن را بر مقدرات زندگی آنها تحمیل کنند.

اما هرچند تاریخ چند دهه گذشته پر از مبارزه آزادیخواهانه و پیشرو و دارای سنت در کردستان است، صف آزادیخواهی و جریانات چپ و کمونیست در مقابل توطئه های احزاب ناسیونالیست کرد وهمدست شدن با ارتجاع محلی

نباید غافل باشند. پیام پ ک ک در سوگ و تمجید شیخ محمد کس نزانی با همسویی آنها با جمهوری اسلامی منطبق است. و فعالین آزادیخواه و جریانات چپ و کمونیست باید خستگی ناپذیر در افشا و رسواکردن آنها بکوشند. این حرکت‌های ارتجاعی نقطه مقابل تلاش همیشگی فعالین کارگری و توده وسیع جوانان آزادیخواه کردستان است که در عرصه های مختلف نشان داده اند که مردم کردستان شایسته یک زندگی آزاد و برابر به

اعتصاب کارگران سریش آباد

کردستان

روز سه شنبه مرداد ماه کارگران شهرداری سریش آباد که آخرین حقوق خود را اسفند ماه سال ۹۸ دریافت کرده اند، در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق معوقه برای پنجمین بار دست از کار کشیدند.

کارگران شهرداری سریش آباد که دزدی و اختلاس و حقه بازی شورای شهر، شهرداری و استانداری کردستان زندگی آنها را تحت فشار قرار داده و برای دریافت حقوقهایشان تا به حال ۵ بار دست به اعتصاب و تحصن زده اند، اینبار نیز با قبول وعده شورای شهر تحصن خود را به پایان بردند. این کارگران ۵ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند و تنها خواست آنان پرداخت حقوقهای معوقه است.

برخورداری از محیط کار و زیست ایمن و

سالم حق پایه ای شهروندان است!

دور از سم مذهب و اختلاف قومی هستند.

اعدام قتل عمد دولتی است! متحدثر و قویتر علیه حکومت اعدام اعتراض کنیم!

اعلامیه حزب حکمتیست

جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراض گسترده داخلی و بین المللی ناچار شد احکام اعدام صادر شده برای زندانیان دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ را "تکذیب" کند. زیر فشار جامعه نمایی از تأیید و تکذیب راه انداخته اند. مثلا دادگستری اصفهان طی اطلاعیه ای از یکسو در مقابل موج اعتراض قدرتمند جامعه عقب می نشیند و حکم اعدام هشت زندانی را تأیید اما "حکم اجرای احکام اعدام" را تکذیب میکند.

همینطور دیوان عالی کشور، احکام اعدام صادر شده شعبه دو دادگاه انقلاب اصفهان برای ۱- مهدی صالحی قلعه شاهرخی ۲- محمد بسطامی ۳- مجید نظری ۴- هادی کیانی ۵- عباس محمدی، پنج نفر از بازداشت شدگان در جریان اعتراضات گسترده دیماه ۹۶ را تأیید کرده است.

خیزش مردم برای سرنگونی رژیم آنچنان هراسی به قلب این جانیان بالفطره انداخته است که برای حفظ حیات منحوس شان بی محابا دست به کشتار مردم زده اند. کشتار بیش از ۱۵۰۰ نفر در خیابان ها و زیر شکنجه کفایت نکرده است و اکنون طناب دار را بالای سر جوانان از شکنجه جان سالم بدر برده گرفته اند. تحت فشار اعتراضات وسیع جهانی علیه احکام اعدام سه تن از زندانیان اعتراضات آبانماه، عقب نشستند و اعلام کرد که این احکام تأیید نشده است. ۸ نفر را در اصفهان به اعدام محکوم کرده اند و تاکنون چند بار این احکام را پس گرفته و دوباره تأیید کرده اند. اینها جانیان روانی هستند؛ می کشند و با روان انسان ها بازی می کنند. حکم می دهند؛ پس می گیرند؛ دوباره تأیید می کنند؛ زیر فشار حاشا می کنند و دوباره تأیید می کنند. فقط یک مشت جانی روانی می توانند اینگونه با جان و احساس مردم بازی کنند. این تلاش های مذبحخانه برای ارزیابی واکنش مردم است. قصد دارند این بازی را آنقدر ادامه دهند تا مردم شوند و از اعتراض دست بردارند. بی تفاوت شوند و آنگاه جنایتی را که برایش روزشماری می کنند اجرا کنند.

این رژیم فقط با زبان زور آشناست. باید تحت فشارش قرار داد. باید متحدثر و قویتر اعتراض علیه اعدام را ادامه دهیم. باید در مقابل ماشین جنایات و سرکوب ایستادگی و آنرا فلج کرد. راه دیگری باقی نمانده است. نباید اجازه دهیم که این جوانان را اعدام کنند. باید سلاح اعدام را از دستان این جانیان بدر آوریم. باید خلع سلاح شان کنیم و ماشین اعدام را درهم بکوبیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست این احکام جنایتکارانه را قاطعانه محکوم می کند و کارگران و مردم دردمند و بجان آمده را فرامیخواند که برای نجات این جوانان گسترده تر به میدان بیایند و متحدانه به احکام اعدام اعتراض کنند. باید این رژیم را به زیر بکشیم و یکبار برای همیشه اعدام، این قتل عمد دولتی را ملغی کنیم.

اعدام قتل عمد دولتیست

حکومت اعدام



مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

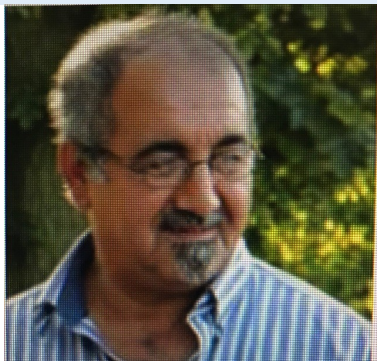
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست

۸ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۰

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی



مصاحبه اکتبر با صالح سرداری در رابطه با کوچ تاریخی مریوان

۴۱ سال پس از ۳۰ تیرماه ۱۳۵۸، روز کوچ تاریخی شهر مریوان و یکی از برجسته ترین ابتکارات کمونیستها در مقابله توده ای علیه رژیم اسلامی، نگاهی به بکارگیری تجارب و دستاوردهای آن در تحولات پیش رو جامعه کردستان از زبان صالح سرداری .

اکتبر: شما جزوه مفصلی در مورد این حرکت بزرگ تاریخی دارید. اما ۴۱ سال پس از این حرکت توده ای که کمونیستها در رأس آن بودند، امروز و در دل تحولات پیش رو در جامعه، کمونیستها چه اندازه آمادگی رهبری کردن چنین حرکات توده ای را در کردستان دارند؟ عوامل مثبت و منفی امروز و آن زمان چیست؟ صف عدالتخواهی و آزادیخواهی در کردستان برای بدست آوردن اعتماد توده های وسیع مردم در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی چه کارهایی باید بکند؟

صالح سرداری: من در جزوه مورد اشاره شما مفصل در این مورد نوشته ام. همانطوریکه شما اشاره کردید این حرکت و کوچ کردن یک شهر واقعا یک حرکت تاریخی و کم نظیر بوده که تحت رهبری کمونیست ها انجام گرفت. این حرکت انقلابی نشانه اعتبار و نفوذ کمونیستهای یک جامعه است که آنقدر مورد اعتماد مردم هستند که می توانند به چنین کاری دست بزنند. این نفوذ و اعتبار یک روزه بدست نیامده است، حاصل فعالیت و تلاش صمیمانه و انقلابی نسلی از کمونیست های آن دوران بود که با حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم کارگر و زحمتکش در سطح شهر و روستاهای مریوان انجام گرفته بود. اکثر کمونیست های آن دوره آگاهانه برای خدمت به مردم به شغل معلمی روی آورده بودند و به آموزش بچه ها و بهداشت عمومی و مشکلات عمومی مردم صمیمانه توجه میکردند. در مسائل و مشکلات محل زندگی مردم دخالتی صمیمانه داشتند. در اینکه فضائی صمیمانه میان مردم بوجود آید و در مقابل زور و ستمی که بر آنها میشد بمبارزه و اعتراض بر خیزند. در تمام اعتراضات و مبارزه ای که اتفاق می افتاد در کنارشان بودند نمونه های فراوانی را میتوان مورد اشاره قرار داد.

کمونیست های آن دوره تلاش میکردند در مبارزه و اعتراضات آن دوره مردم کارگر و زحمتکش در سرنوشت خود دخالت داشته باشند. در مقابل تفکرات رایج که گویا دیگران برایشان تعیین تکلیف کنند، خودشان نقشی در زندگی و آینده خود ندارند همه چیز از قبل تعیین شده و خودشان کاری نمیتوانند انجام بدهند ایستادند. نمونه ای را برایتان باز گو کنم در جریان کوچ مریوان وقتی چندین مورد مذاکرات شورای شهر و مقامات رژیم انجام گرفت هر روز رفیق فواد نتیجه بحث و مذاکره با مقامات رژیم را در محوطه مرکزی کوچ به مردم گزارش میداد و ساکنین کوچ نظر و رأی خود را اعلام می کردند. حتی در آخرین روز کوچ که رژیم بدرجاتی عقب نشینی کرده بود و دست از وارد شدن ارتش به شهر برداشت، مردم با دخالت فعال در تصمیم گیری پایان دادن به کوچ دخالت داشتند. در عین حال به کمونیست ها

اعتماد کامل داشتند که منفعت آنها را نمایندگی میکنند. در ادامه سؤال شما بنظرم کمونیست ها باید در اوضاع سیاسی پر تحول امروز با بکار گرفتن تجارب آن دوران کمونیست ها در کوچ مریوان خود را برای دخالت در آینده ایران بنفع اکثریت مردم آماده کنند. دفاع بی کم و کاست از منافع آنها باید سرلوحه فعالیت و تلاش ما و نسل های بعد از ما قرار گیرد. در دنیای امروز که انواع و اقسام جریانات و احزاب برای تحمیل خود به مردم و بدون دخالت مردم و از بالای سر آنها برنامه ریزی می کنند، باید با دقت اوضاع را تعقیب و در فکر سازماندهی و متحد کردن و متشکل کردن کارگران و زحمتکشان برای رویارویی با اوضاع خطیر کنونی باشند.

نیروهای راست و ناسیونالیست برای آینده جامعه ایران و کردستان و تحمیل خود به مردم نقشه و طرح های مختلفی دارند. از هم اکنون علیه کمونیست ها شمشیر می کشند و دارند سپاه ملی و پلیس و ... برای سرکوب مردم کردستان سازمان میدهند. کمونیست ها و جبهه آزادیخواهی باید برای جوابگویی و مقابله با طرح و نقشه نیروهای راست و ارتجاعی آماده باشند. و اجازه ندهند مبارزات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان را به بیراهه ببرند و بدور از دخالت مردم بانبروهای ارتجاعی دیگر بر سر آینده و سرنوشت جامعه بند وبست و سازش کنند.

اکتبر: در شرایط آزمون کوچ هم قطعاً طبقات و احزاب مختلف اهداف و سیاستهای مختلفی را تعقیب کرده اند. برخورد جریانات دیگر از جمله حزب دمکرات کردستان ایران به کوچ چگونه بود؟

صالح سرداری: در جواب این سؤال باید بگویم کمونیست ها که بعدا در کومله متشکل شدند نقش اساسی داشتند. غیر از کومله به رهبری کاک فواد، سازمان های دیگری مانند حزب دمکرات کردستان، چریک های فدایی خلق و پیکار وجود داشتند.

اما حزب دمکرات کردستان در مریوان و اطراف نقش و دخالتی جدی نداشتند. مسئولین آن دوره حزب دمکرات تعدادی از فئودال ها بودند که مردم دل خوشی از آنها نداشتند. غیر از این مابین مسئولین این حزب که بومی بودند با تعدادی دیگر که از مناطق دیگر به مریوان فرستاده بودند اختلاف و درگیری وجود داشت. این مسائل باعث شده بود که حزب دمکرات کردستان ایران نفوذ و اعتباری نداشته باشد. خلاصه در جریان کوچ شهر و مبارزات آن دوره دخالتی نداشتند.

اینچه مبارزات و اعتراضات رادیکال آن دوره مریوان و بخش بزرگی از کردستان در مقابل زورگویی رژیم تازه بقدرت رسیده جمهوری اسلامی و زورگویان را رهبری و هدایت میکرد کمونیست ها بودند. سازمان چریک های فدائی خلق و بدرجاتی هواداران سازمان پیکار که اعضا و هوادارانی در مریوان داشتند در جریان این کوچ فعالیت

مصاحبه اکتبر با صالح سرداری

در رابطه با کوچ تاریخی مریوان

داشتند. از دیگر جریاناتی که در مریوان فعالیت داشتند، جماعت احمد مفتی زاده و مکتب قران بودند که در پادگان شهر خود را برای حمله به شهر مریوان آماده میکردند در آن دو هفته کوچ مردم مریوان مظلوم نمایی میکردند و سعی میکردند که رژیم اسلامی را برای حمله به شهر مریوان قانع کنند. اما این کار برای رژیم اسان نبود. آنها با اعتراض مردم یک شهر روبرو بودند که حمایت مردم شهرهای دیگر کردستان و دیگر کمونیست ها و چپ های سراسر ایران را با خود داشت.

در یک جمع بندی مختصر باید بگویم بهر درجه ای که کمونیست ها در صف اول مبارزات و اعتراضات قرار بگیرند و کارگران و زحمتکشان را برای پیشبرد این امر متحد و متشکل سازند، میتوانند به پیروزی و موفقیت دست یابند کاری که حداقل در آن دوره انجام دادند.

اطلاعیه خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

در رابطه احضار فعالین و جوانان توسط اطلاعات نیروی انتظامی شهر

سندج

دستگیری و احضار و زندانی به داد جمهوری اسلامی نمی رسد!

ترس از تکرار "آبانماه های" دیگر جمهوری اسلامی را به هراس انداخته و زبونانه دست به اقدامات پیشگیرانه می زند. طبق اطلاعاتی که به دست ما رسیده است در چند روز اخیر اطلاعات نیروی انتظامی شهر سندج تعداد زیادی از جوانان بخصوص دستگیر شدگان اعتراضات خیزش انقلابی آبانماه و فعالین خوشنام و شناخته شده شهر سندج را احضار و خواسته اند تعهد بگیرند، چنانچه در اعتراضات شرکت کنند و دستگیر شوند به ۵ الی ۶ سال زندان محکوم خواهند شد. علاوه بر این طبق خبری که درمدیای اجتماعی منتشر شده است دادگاه شهر بانه ۱۰ نفر از معترضین شهریورماه سال ۹۶ که در اعتراض به کشتار کولبران توسط یگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی دستگیر شده بودند هر یک به سه ماه زندان، شلاق و جریمه نقدی محکوم شده اند.

اعدام و سرکوب و احضار نه تنها در کردستان، که در سایر شهرهای ایران توسط دستگاههای سرکوبگر و امنیتی رژیم، تماما نشانگر این واقعیت است که سران رژیم جمهوری اسلامی به شدت از تکرار اعتراضات و خیزشهای مشابه آبانماه نگران و در هراسند و در انتظار چنین روزهایی به خود می پیچند. سران رژیم خود واقفند و اعتراف می کنند که اوضاع بسیار وخیم است و قابل دوام نیست. چند روز قبل یکی از نمایندگان مجلس اقرار کرد که اگر اوضاع این چنین پیش برود ما را از مجلس بیرون خواهند کرد و حکومتی ها را پائین خواهند کشید.

واقعیت این است که فقر و فلاکت و بیکاری و دستمزدهای پرداخت نشده گریبان اکثریت مردم کارگر و زحمتکش را گرفته و به تنگ آورده است و رژیم اسلامی هم در مقابل، بجز اعدام و سرکوب و احضار و زندانی کاری از دستش بر نمی آید. این وضعیت قابل دوام نیست و نباید بیشتر از این تحمل کرد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست دستگیری و احضار و زندانی جوانان و فعالین را به شده محکوم میکند و مردم آزادیخواه کردستان، کارگران و زحمتکشان را به گسترش اعتراض و مبارزه علیه فقر، فلاکت و بیکاری و مقابله با اختناق رژیم فرامی خواند. این اقدامات سرکوبگرانه و این تقلا و دست و پا زدنهای رژیم سرمایه داری اسلامی راه به جایی نمی برد و دیگر به داد جمهوری اسلامی نمی رسد.

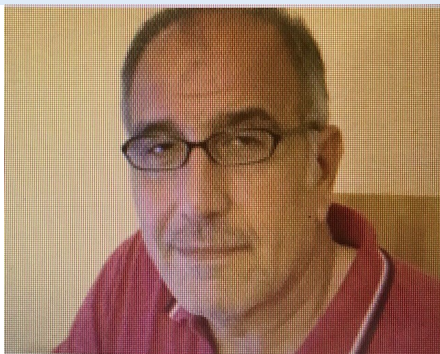
مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری و رفاه

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۴ مرداد ۱۳۹۹

ایجاد تشکلهای مستقل کارگری حق مسلم کارگران است!



در افشای سیاست واهداف

ناسیونالیسم کرد

سعید یگانه

وجود داشته و مردم کردستان تجارب زیادی در این زمینه دارند. بطور نمونه سیاست و نزدیکی با رژیم جنایتکار اسلامی بارها از جانب این احزاب تجربه شده است و نا کام مانده اند. همین دو سال پیش بود که مذاکرات پشت پرده چهار حزب و جریان ناسیونالیسم در "مرکز همکاری کرد" با نمایندگان جمهوری اسلامی افشا شد و معلوم نیست هنوز پشت پرده ادامه داشته باشد. یکی از خصوصیات بارز ناسیونالیسم و احزاب ناسیونالیستی، انکار وجود طبقه کارگر و اختلاف طبقاتی، نقض آزادی بیان و ضدیت آشکار با کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه کردستان است که این سیاست در مقطعی منجر به جنگ تحمیلی حزب دمکرات علیه کومله شد و شکست خورد.

در نتیجه برای کارگر و زحمتکش کردستان، برای زنان تحت ستم، مبارزه برای رفع ستم ملی و کوتاه کردن دست دولت مرکزی از ستم و سرکوب بر مردم کردستان، باید هم زمان به مبارزه و تلاش برای رهایی از ستم طبقاتی، از بین بردن فقر و نابرابری اقتصادی ترجمه شود و به آینده ای عاری از انواع ستمها برای مردم کردستان تبدیل شود. تجاربی که تا کنون از این احزاب در مناطق مختلف کردستان وجود دارد خلاف این را نشان میدهد.

نمونه بارز آن کردستان عراق و حاکمیت بیشتر از دو دهه احزاب بورژوا - ناسیونالیست، اتحادیه میهنی و حزب دمکرات بر مردم کردستان است. اکنون در کردستان عراق "حکومت کردی" برقرار است و "احزاب کردگ قدرت حکومتی را در دست دارند و امورات مردم را رفق و قفق می کنند. ستم طبقاتی، فقر و تبعیض اقتصادی، نقض آزادیهای سیاسی، ترور مخالفین، تبعیض علیه زنان و میدان دادن به ارتجاع و اسلام و آخوند، شاخص بر جسته جامعه امروز کردستان عراق است. شما نگاه کنید این جامعه به چه روزی افتاده است. فقر و نابرابری و بیکاری بیداد می کند. ماهها حقوق مردم پرداخت نمی شود. وقتی در دلهای مردم را گوش می کنید، اکثریت مردم کارگر و زحمتکش که زندگی روزانه شان به فروش نیری کار آنان در بازار سرمایه گره خورده است، از فقر و نداری به تنگ آمده اند. اعتراض دارند که اینها بی لیاقتند. در فکر مردم نیستند. پول مردم و سرمایه زندگی مردم را می دزدند و حیف و میل می کنند. در همین جامعه اما اقلیتی سرمایه دار و دولت و آنهایی که از قدرت مافیایی این دو احزاب ارتزاق

صفحه ۷

ناسیونالیسم ئیدیولوژی بورژوازی، مغایر با آزادی و برابری و حقوق جهانشمول انسانها است که در قالب سیاست، افکار، ایده و فرهنگ و نهایتا در برنامه احزاب و جریانات ناسیونالیست نمایندگی و عملی می شود. جنبش ناسیونالیستی کرد با سیاست، فرهنگ و تمایلات و خواستگاه آن، عکس العملی است به سرکوب و ستم دولت مرکزی و جواب دادن به نیازهای جنبش بورژوازی کرد در مقابل بورژوازی حاکم است که پرچم این جنبش را احزاب و سازمانهای ناسیونالیست این جنبش با قرار دادن هزمونی و قالب زدن اهداف سیاسی خود بر آن نمایندگی می کنند.

جنبش ناسیونالیستی در جامعه کردستان ریشه دار است و احزاب این جنبش از ستم ملی که توسط دولت مرکزی بر مردم اعمال می شود، تغذیه می شوند و ستم ملی در واقع نردبان ترقی، رسیدن آنان به قدرت، بدون آنکه رفع ستم ملی هدف واقعی و بلاواسطه آنها باشد. این احزاب با تبلیغ و ترویج تمایلات و عرق ملی "کردایتی" و با تکیه بر افکار ارتجاعی و مذهب و کهنه پرستانه در جامعه کردستان، پایگاه خود را در میان اقشار مختلف مردم تحت نام "ملت کرد" گسترش داده و آنها را در پیسبرد اهداف خود که نهایتا "سهیم شدن در قدرت محلی گ است به کار می گیرند. آنها مدعیند که "خلق کرد" را از ستم ملی نجات می دهند، اما تمام سیاست و رفتار و تجارب تا کنونی این احزاب به ما می گوید که آنها نه تنها احزاب جدی مبارزه برای رفع ستم ملی نیستند و اعتراضی جدی به مناسبات موجود ندارند، بلکه خود عامل تنزل و تقلیل دادن خواست و مطالبات واقعی مردم کردستان مطابق اهداف نازل و سازشکارانه خود و محدود کردن آن تنها به "مسئله کرد" است و جایی که به قدرت رسیده اند، خود عامل تشدید انواع و اقسام ستمها بر همان مردمی هستند که داعیه دفاع از آنان را به سینه می زنند.

اگر برای بورژوازی کرد و احزاب آن "ستم ملی" ابزاری برای معامله و شریک شدن در قدرت محلی و داشتن سهمی از دسترنج کارگران و زحمتکشان "ملت کرد" است، برای دولت مرکزی و بورژوازی حاکم، اعمال ستم ملی ابزاری برای سیادت طبقاتی و اعمال ستم طبقاتی و استثمار کارگران و زحمتکشان و مردم تهیدست است. به این دلیل است که علارغم تخاصم و جنگ بین این دو بخش از بورژوازی، همیشه تمایل و نزدیکی به سازش و توافق بر سر منافع خود و اعمال حاکمیت بر مردم و تقسیم قدرت ما بین خود

در افشای سیاست واهداف

ناسیونالیسم کرد

سعید یگانه

می کنند در ناز و نعمت به سر می برند و ثروت هنگفتی را به تصاحب خود در آورده اند. تردیدی نباید داشت که احزاب و جریانات ناسیونالیست در کردستان ایران در صورت دستیابی به قدرت، نسخه ای بهتر از برادرانشان در کردستان عراق برای مردم ندارند و همین اهداف را تعقیب می کنند. طرح تشکیل "سپاه ملی کرد" از جانب عبدالله مهتدی رهبر یکی از سازمان زحمتکشان، اگر مورد توافق سایر احزاب قرار گیرد که با واقعیت بسیارفاصله دارد، به همین منظوره میان آورده است و هدفی جز حاکمیت و اعمال زور در مقابل اراده مردم ندارد.

حل ستم ملی یک راه حل سراسری می طلبد

جمهوری اسلامی در تنگنا و بحرانهای شکننده ای دست و پا می زند. اکثریت مردم از فقر و فلاکت و بیکاری دارند ناپود می شوند. در دو سال گذشته جنبشهای اجتماعی برای پایان دادن به این شرایط جهنمی گامهای بلندی برداشته اند. در کردستان از انجایی که مردم دشمن درجه یک خود را حکومت اسلامی و سرمایه داری حاکم میدانند، همگام با مردم و کارگران و تهیدستان سایر نقاط ایران در مقاطع مختلف این مبارزه به صف اعتراضی سراسری علیه فقر و فلاکت و بیکاری و اختناق پیوسته اند. احزاب و جریانات ناسیونالیست در طی دو سال گذشته با شروع خیزشهای انقلابی از دی ماه ۹۶ به این سونه تنها روی خوش و علاقه ای به آن نشان نداده اند، بلکه خود عامل بازدارنده و نقش منفی در روحیه اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی داشته و در دل این جدال و مبارزه سخت نهاد "مرکز همکاری احزاب کرد" پنهانی مشغول بند و بست و معامله با جمهوری اسلامی بودند.

مردم کردستان منفعتی جدا از منفعت مردم در سایر نقاط ایران ندارند. راه حل نه تنها رفع ستم ملی، که هر نوع ستمی در گرو مبارزه متحدانه سراسری و پیوستن به جنبشهای انقلابی و سرنگونی طلبانه علیه جمهوری اسلامی برای رفاه و آزادی و زندگی انسانی است. نقشه احزاب و جریانات ناسیونالیست برای حل "مسئله کردگ" نقشه ای برای تفرقه و جدایی و در ضدیت آشکاربا منفعت کارگر و زحمتکش و مردم ستم دیده در کردستان است.

با این حال ما معتقدیم و همچنانکه در برنامه یک دنیای بهتر ما به روشنی به آن اشاره شده است. "ما حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق یک پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت

میشناسیم و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قریباً محکوم میکنیم. ما خواهان حل فوری مسئله کرد در ایران از طریق یک فراندوم آزاد در مناطق کرد نشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع بین المللی است. این فراندوم باید با خروج بیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در فراندوم انجام شود.

حزب ما در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان رای موافق میدهد که قویا محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی و پیشرو تر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتر و ایمن تری بر خوردار خواهد ساخت.

حزب ما هر نوع ترتیباتی در مورد آینده سیاسی کردستان را بدون مراجعه به آرا عمومی خود مردم کردستان و صرفاً بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و با توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجرا گذاشته شود، فاقد مشروعیت و غیر قانونی است. هر چند ما این توصیه را به مردم کردستان نمیکنیم. به عقیده ما ماندن در چهار چوب کشوری و قائل شدن حقوق شهر وندی مساوی و برابر برای همه آحاد مردم ایران، انتخابی درست و انسانی برای مردم کردستان می باشد.

مردم آزادیخواه، فعالین و مبارزین آگاه و انقلابی جامعه کردستان نباید اجازه دهند که سرنوشت جامعه کردستان در تحولات آینده ایران به دست این احزاب رقم بخورد. احزاب چپ و کمونیست در کردستان وظیفه دارند، ضمن مبارزه قاطع با جمهوری اسلامی در جهت تقویت جنبش سرنگونی طلبانه مردم، همکاری و تقویت صف آزادیخواهی و برابری طلبی در کردستان، از افشای اهداف و سیاست احزاب و جریانات ناسیونالیست در کردستان در دفاع از منفعت کارگرو زحمتکش غافل نباشند.

حاکمیت شورایی در کردستان

از نظر ما یک راه حل موثر و ابزار کارآمد در جهت ممانعت از حاکمیت احزاب و جریانات ناسیونالیست و یکه تازی آنان در آینده تحولات کردستان، اعمال حاکمیت مستقیم مردم کردستان از طریق شوراهای مردمی و کارگری در محل زیست و کار کارگران و زحمتکشان و مردم تهیدست است. هر درجه از پیشروی و قدرت گیری اعتراض و مبارزه توده ای و تغیر تناسب قوا به نفع مردم تا سرنگونی جمهوری اسلامی، مردم و نیروهای انقلابی با استفاده از دستاوردهادر تدارک تشکیل شوراهای مردمی برای به دست گرفتن امورات و اعمال حاکمیت مستقیم و اراده جمعی بر سرنوشت خود باشند. جنبش سوسیالیستی و احزاب چپ و کمونیست در کردستان حامی و پشتیبان جنبش شورایی و حاکمیت مستقیم مردم بر سرنوشت آنان است و در این زمینه تجارب درخشانی را در جامعه کردستان به اسم خود ثبت کرده اند.

سعید یگانه



مبارزه علیه زن ستیزی در منطقه

در گرو مبارزه علیه ایدئولوژی و جنبش اسلامی است!

آذر ماجدی

حدودی قدرت عنان گسیخته اسلام را به مصاف طلبید. با شکست این پروژه و بدنبال تقویت و بسیج جنبش اسلامیتی توسط دولت های امپریالیستی در افغانستان و ایران جنبش اسلامی وسیعاً رشد کرد و به جان مردم افتاد. به میزانی که جنبش اسلامی قدرتمندتر شد و ایدئولوژی اسلامی در کشورهای منطقه قدرت بلامنازع پیدا کرد موقعیت زنان وخیم تر، مردسالاری عمیق تر و زنان بیحقوق تر شدند.

برای مقابله با این شرایط، برای مبارزه با زن ستیزی ضروری است که به یک جنبش منطقه ای علیه اسلام و جنبش اسلامی دامن بزنیم. در ایران یک جنبش قوی آزادی زن وجود دارد. این جنبش از بدو قدرت گیری جمهوری اسلامی شکل گرفت و چهل سال است که علیه این رژیم و قوانینش می جنگد. جنبش آزادی زن یک رکن مهم جنبش سرنگونی طلب در ایران است. آوازه این جنبش در منطقه پیچیده است. جنبش حق زن در منطقه با تحسین و احترام به این جنبش می نگرند. باید بکوشیم تا این جنبش را در کل منطقه رشد دهیم.

بدنبال سرنگونی جمهوری اسلامی شرایط برای مقابله جدی و ریشه کن کننده جنبش اسلامی فراهم می شود. مبارزه با ایدئولوژی اسلامی و حاشیه ای کردن آن در جامعه، حاکمیت سکولاریسم و تبدیل مذهب به یک امر خصوصی ابزار مهمی برای مقابله با زن ستیزی است. سرنگونی جمهوری اسلامی منطقه را در شرایط بسیار مناسب تری برای تسویه حساب با این جنبش و ایدئولوژی قرار می دهد...

۳۰ ژوئیه ۲۰۲۰

قتل هولناک یک زن جوان توسط دوست پسر سابقش در ترکیه به اعتراضات وسیع در ترکیه دامن زد. بمحض پخش خبر این قتل فجیع هزاران زن و اکتیویست در شهرهای استانبول، آنکارا، آنتالیا و ازمیر دست به تظاهرات زدند. تعداد قتل زنان و قتل های ناموسی در ترکیه بسیار افزایش یافته است. تاکنون در سال ۲۰۲۰ تعداد ۱۱۸ زن به قتل رسیده اند. رشد زن کشی ربط مستقیمی به تحکیم قدرت دولت اردوغان و ایدئولوژی اسلامی دارد. اسلام یک ایدئولوژی تا مغز استخوان زن ستیز است؛ اسلام زن کشی و قتل ناموسی را نه تنها توجیه، بلکه تشویق می کند. طی دو دهه اخیر که اسلامیت ها در قدرت سیاسی دست بالا یافته اند، زن ستیزی و زن آزاری در ترکیه افزایش چشمگیری یافته است. با زدودن کامل سکولاریسم و حاکمیت مطلق ایدئولوژی اسلامی حقوق ناچیزی که زنان در دوران حکومت سکولار از آن برخوردار بودند بکلی رنگ می بازد.

در ایران نیز اخبار قتل های ناموسی هر روزه منتشر می شود. فقط در دو ماه اخیر چند قتل ناموسی مهیب توسط پدر و شوهر در گوشه و کنار کشور انجام گرفته است. علاوه بر قتل، ما شاهد خودکشی زنان و دختران جوان بعلت فشارهای فزاینده و خفقان آور خانواده هستیم. ایدئولوژی حاکم، مشحون از زن ستیزی، موجب گسترش این کشتار است.

مردسالاری و زن ستیزی یک رکن اصلی ایدئولوژی حاکم در ایران، ترکیه و سایر کشورهای منطقه است. اسلام یک وجه مشترک این کشورها است. در اوایل قرن بیست تلاش های مدرنیستی کولونیالیستی برای توسعه جوامع تحت سلطه درجه ای از فرهنگ سکولاریستی را در منطقه رشد داد و تا

بارآوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بارآوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هرچه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتها به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفاً کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساساً به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

شوراهای محلات ایجاد باید گردد!

از کارگران شهرداری میوان حمایت کنید!

در رابطه با اعتراض کارگران شهرداری میوان

اسماعیل ویسی



مانده اند. در نهایت با جواب وعده و وعید دروغین شهرداری و نهادهای مربوطه روبرو شده اند. همچنانکه در این اعتراض اخیر نیز عده ای از کارگران شرکت کرده، بودند. چرا؟!

نقش حمایت عملی، دیگر بخش های کارگری از جمله- انجمن کارگران ساختمانی میوان. انجمن کارگران

خبازان میوان و سروآباد. فعالین برابری

طلب و مردم شریف و آزادیخواه میوان. خانواده های خود کارگران. نهادهای اجتماعی شهر میوان، از این پروسه طولانی اعتراضات کارگران غایب هستند. چرا نیستند؟ به همین خاطر است که کارگران، علیرغم اعتراضات مداوم و پیگیریشان، به مطالباتشان دست نیافته اند. زیرا تنها مانده اند!

چکار باید کرد؟

تقریباً پارسال در همین اثناء از جمع ۵۰۰ نفری کارگران شهرداری ۱۰۰ نفر تجمع اعتراضی برگزار کردند. همچنانکه در اعتراض اخیر هم عده ای شرکت کرده اند. اما، چون فاقد حمایت اجتماعی مردم میوان و دیگر بخشها و انجمن های کارگری موجود و حتی خانواده هایشان بودند، به هیچ نتیجه ای متأسفانه نرسیده اند. سوال اساسی این هست چرا تمامی کارگران خود شهرداری بطور همبسته و متحد و اخیراً هم، شرکت نکرده اند. آیا مشکلمان یکی نیست؟ ...

برای دستیابی به خواسته های بر حق و مطرح با پراکندگی بجائی نخواهید رسید. همچنانکه تاکنون هم چنین بوده است. پس لازم است، برنامه ریزی دقیق تر و همه جانبه تری کرد. از قبل تمامی کارگران شهرداری میوان را قانع و متحدانه بمیدان آورد و اعتراض و اعتصاب همه جانبه باشد. پراکندگی را باید ختمه داد تا مو لای درز اعتراضاتان نرود. زیرا درد و مشکل یکی است. بدون ایجاد این اتحاد و همبستگی اولیه که شرط دستیابی به حمایت اجتماعی - کارگری در سطح شهر میباشد، بجائی نخواهید رسید. قبل از هر عملی صف خود و خانواده هایتان را در حین اعتراضات که متحد طبیعی هستید، همراه کنید. در محلات مسکونی تان مشکل را با مردم، بویژه جوانان و انسانهای پیشرو بهر شیوه ممکن در میان بگذارید. جمع بسیار بزرگی هستید. مجمع عمومی برگزار کنید. تقسیم کار کنید. مردم شهر میوان، فعالین اجتماعی- کارگری، نهادهای دفاع از محیط زیست، دفاع از حقوق کودکان و زنان و ... بویژه انجمنهای کارگران ساختمانی و خبازان را در جریان بگذارید، توقع حمایت عملی راطرح و در پیش پایشان بگذارید. در چنین اوضاع و احوالی اعتراضات را سازمانیافته تر بهر شیوه ممکن پیش ببرید و درتوازن قوا و زمان مناسب که لازم دانستید، در سطح شهر

روز شنبه ۲۸ تیر ماه ۱۳۹۹ جمعی از کارگران شهرداری میوان نسبت به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه سال جاری و ماههایی از سال گذشته خود دست به اعتراض زدند. در جریان این اعتراض خطاب به شهردار جدید و شورای شهر، خواستار توجه به اوضاع معیشتی و پرداخت دستمزدهای جاری و معوقه خود شدند. آنها می گویند با وجود اقتصاد ویران کننده و افزایش قیمت اجناس و کالاهای اساسی زندگی توان تامین هزینه های زندگی را ندارند. و در نامه تاکید کرده بودند که چرخ زندگی مان نمی چرخد. باید یادآور شد که، کارگران شهرداری میوان قبلتر نیز چندین بار برای دستیابی به حقوق و مزایای خود دست به برپائی تجمع اعتراضی و اعتصاب زده بودند ولی تاکنون بدلیل پراکندگی و عدم حمایت اجتماعی- کارگری در شهر میوان و تنها ماندنشان، با جوابهای سر خرمن و شانه بالا انداختن روبرو شده اند.

کارگران بخش خدماتی و از جمله کارگران شهرداریها در سراسر ایران، از بی حقوق ترین بخشهای کارگری هستند. و هم اکنون در شهرهای □ میوان، سنج، سریش آباد، بیجار، سقز، شاه آباد غرب- اسلام شهر، یاسوج، ماهشهر، کوت عبدالله، تبریز و از ۴۷ شهرداری استان آذربایجان غربی کارگران ۳۹ شهرداری با مشکل عدم دریافت دستمزدهای جاری و معوقه، همچون سایر بخش های دیگر مراکز تولیدی و خدماتی روبرو هستند و ... و در تمامی این تجمع های اعتراضی، مسئولین مربوطه گاهها با وعده و وعید سر خرمن، پول نداریم. حتماً جایجا خواهیم کرد جواب داده اند. باید تاکید کرد که عدم پرداخت دستمزدهای جاری و معوقه، نتیجه اش، وضعیت ناهنجار فقر و فلاکتباریست که حکومت اسلامی سرمایه داران در ایران به کل طبقه کارگر و اکثریت مردم زحمتکش مزدبگیر تحمیل کرده است. نمونه تییپیک چنین وضعیتی بر اساس اعتراف تمامی نهادهای متفاوت حکومتی، وجود داشتن ۷۰ در صد مردم زیر خط فقر میباشد. که اعتراضات کنونی کارگران هفت تپه، هپکو اراک، پتروشیمی ها و دیگر بخشهای صنایع نفت و ... و اعتراضات توده ای اجتماعی آبانماه ۹۸ و متعاقب آن تقابلی جدی در رابطه با این وضعیت تحمیل شده، است. که عملاً گرسنگی دادن به جامعه است، از طرف حکومت اسلامی برای حفظ بقااش و در نهایت به استیصال سوق دادن جامعه، که جامعه را از هر لحاظ آسیب پذیر کرده و مصیبتهای اجتماعی غیر قابل مهاری را بوجود آورده است، آگاهانه میباشد. وضعیت کارگران شهرداری میوان و کل مردم زحمتکش جامعه کردستان نیز، جدا از شرایط تحمیلی در سراسر ایران نیست!

کارگران شهرداری میوان تنها مانده اند!

شهرداری میوان دارای " ۵۰۰ کارگر در بخش های متفاوت " میباشد. طی سال جاری و سال گذشته بارها دست از کار کشیده و نسبت به عدم دریافت دستمزدهای جاری و بموقع و معوقه و سایر مزایای مربوط، همچنانکه در اعتراض اخیرشان تاکید نموده اند، بمیدان آمده و اعتراض کرده اند. اما، به علت عدم همبستگی و پراکندگی و فاقد بودن تشکل مستقل کارگری، و عدم حمایت از طرف دیگر بخشهای کارگری و حتی تمامی کارگران شهرداری با شرکت خود در تجمعات اعتراضی شان و عدم حمایت مردم شهر میوان تنها

اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۰ برابر با ۲۸ و ۲۹ تیرماه ۱۳۹۹، جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با حضور اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب برگزار شد. دستور جلسه مصوب دفتر سیاسی عبارت بود از:

۱- گزارش و ارزیابی ۲- اوضاع سیاسی ایران ۳- جنبش کارگری ایران، مصافها و مسائل عملی پیش رو ۴- ارزیابی از موقعیت حزب و مسئله تاکتیک ۵- پلنوم حزب ۶- خیزش توده ای آتی، موقعیت و نقش اردوی کارگری کمونیستی: کمونیستها در تندپیچ سیاسی آتی ایران کجای کارند؟ ۷- انتخابات.

در بحث گزارش و ارزیابی سیاوش دانشور به مسائل مطرح در سیاست ایران، دور جدید اعتصابات کارگری و مبارزات توده ای، اعتصاب هفت تپه و سوالات جنبش کارگری، وضعیت غیر قابل دوام و ملتهب جامعه و امکان قوی و سریع تلافی سیاسی، سوالاتی که جامعه حول آن قطبی میشود، صفتبندیها و اهداف جنبش های بورژوائی، آمادگی لازمی که برای دخالت فعال از ما بعنوان حزب و رهبری آن میطلبد، تامین نیازهایی که داریم، تقویت اتحاد حزب، همینطور به رؤس اقدامات تشکیلاتی و فوکوس سیاسی حزب در دو ماه گذشته اشاره کرد. رفقا رحمان حسین زاده، صالح سرداری، پروین کابلی دبیران کمیته های داخل، کردستان و خارج گزارش مشخص تر و تکمیلی به جلسه ارائه دادند. رفقای دفتر سیاسی نیز در بحث گزارش نظر و ارزیابی و ملاحظات خود را طرح کردند. جلسه عمدتاً ارزیابی مثبتی از سیاستها و اقدامات حزب داشت، به علاوه بر کمبودها و نارسایی ها هم تاکید شد. رفقای به ناکافی بودن حجم اقدامات و تلاشها برای رساندن حزب به رویدادها نقد داشتند. دفتر سیاسی متفقاً بر تلاش و تمرکز روی اقدامات موثر و کلیدی برای دخالت در اوضاع پیش رو تاکید داشت. همینطور دو مورد انتقاد سیاسی به نکاتی در یک اطلاعیه حزب و یک مطلب مندرج در نشریه کمونیست نیز طرح شد که حول آن بحث و اظهار نظر شد.

دستور بعدی مبحث اوضاع سیاسی ایران بود که رفیق آذر ماجدی آنرا ارائه کرد. در این بحث به وضعیت ملتهب جامعه که تداوم روندی است که از دیماه نود و شش شروع شده است، تقابل صریح مردم با جمهوری اسلامی، تشدید بحران اقتصادی و فقر و فلاکت گسترده و روزافزون، تمهیدات جمهوری اسلامی برای رفع بحران و کسب موثلفی بین المللی برای مقابله با فشارهای آمریکا، خصلت شرایط کنونی و تقابلی که جامعه دارد، مسئله غامض بودن پروژه رژیم چینج و نخواستن جامعه، خطر تسلیم شدن مردم در شرایطی که در فقر و بیماری مستاصل شوند، نیاز مبرم به یک حزب سیاسی رادیکال و گسترده برای سرنگونی انقلابی و از پائین، تقویت کمونیسم کارگری متحزب در داخل کشور، نیاز به تحزب قوی برای دخالت موثر در سیاست، اقداماتی که میتوانند موثر باشند اشاره شد. دفتر سیاسی در این بحث توافق بالائی در مورد خطوط سیاسی داشت اما در مورد اینکه حزب برای تقویت تحزب و بزرگتر شدن چه اقدامی باید در اولویت بگذارد، به دلیل سطحی از تاکیدات مختلف، در این جلسه نتیجه گیری قطعی نشد.

آخرین دستور روز اول جلسه دفتر سیاسی، مبحث جنبش کارگری و مصافهای پیش رو بود که سیاوش دانشور معرف آن بود. در این بحث از جمله به جایگاه کنونی جنبش کارگری در سیاست ایران، موقعیت گرایش رادیکال کارگری و سنتهای مبارزاتی، سازماندهی جنبش مجمع عمومی، موانع موجود و سوالات مطرح در بسیاری از مراکز کارگری، تاثیر متقابل جنبش کارگری و جنبش توده ای و مکانیزم تبدیل رادیکالیسم کارگری به پرچم جنبش اعتراضی برای سرنگونی، سیاستهای و تاکتیکها و روش کاری که حزب باید متناسب با اوضاع پیش بگیرد و سیاستهایی که باید اجتناب کند، چشم اندازی که با گسترش بحران وجود دارد اشاره شد. رفقای دفتر سیاسی در این بحث از جمله پیرامون مسائل تاکتیکی، لازمه اتصال رادیکالیسم کارگری به استراتژی کمونیستی و بر ضرورت چفت بودن سیاست حزب با گرایش رادیکال و سوسیالیستی تاکید داشتند.

دستور اول روز دوم جلسه دفتر سیاسی در باره پلنوم، نشست کمیته مرکزی حزب بود. رفیق جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی حزب گزارشی از تصمیم قبلی در باره عدم برگزاری حضوری پلنوم، بدلیل پاندمی کرونا و وضعیت کنونی ارائه کرد. بدنبال همفکری و شنیدن پیشنهادها، دفتر سیاسی تصمیم گرفت پلنوم بصورت نته برگزار شود و تاریخ آن با هماهنگی دبیر کمیته مرکزی و هیات اجرایی حزب تعیین و ابلاغ شود.

مبحث بعدی ارزیابی از موقعیت حزب و مسئله تاکتیک و نحوه کار ضروری در اوضاع کنونی بود. رفیق صالح سرداری این بحث را ارائه کرد. در این بحث از جمله در باره سیاست همکاری با احزاب و سازمانهای دیگر، صفتبندی سیاسی در منطقه، در دستور گذاشتن و پیشبرد پروژه های سیاسی، ضرورت یک بازبینی در مورد سیاستها و تاکتیکهای ما بویژه در سطح کردستان اشاره شد. دفتر سیاسی در این زمینه وارد بحث شد و علیرغم هر ملاحظه و انتقادی که وجود داشته است بر درست بودن سیاست همکاری با احزاب دیگر در چهارچوب سیاستهای مصوب حزب تاکید کرد و توافق داشت برای قوی کردن رادیکالیسم و کمونیسم در کردستان و تقابل با جریانات بورژوائی و ناسیونالیستی و مذهبی، کمیته کردستان حزب هرچه سریعتر پلاتفرم همه جانبه و استراتژیک فعالیتش در کردستان را تهیه و برای اجرای آن اقدام کند.

دستور دیگر جلسه دفتر سیاسی، خیزش توده ای آتی، موقعیت و نقش اردوی کارگری کمونیستی: کمونیستها در تندپیچ سیاسی آتی ایران کجای کارند؟ بود که توسط رفیق فاتح شیخ اراده شد. در این بحث از جمله به چگونگی قطبی شدن جامعه، لازمه قطبی شدن حول سرنگونی و آلترناتیو باهم، تاکید بر سازماندهی شورائی بعنوان ابزار مبارزه و قیام و ارگان حاکمیت، جهتگیری روی دویای رادیکالیسم کارگری و تحزب کمونیستی کارگری، احتمالات و اشکالی که به این روند کمک میکند، نادرست بودن و غیر عملی بودن برخی شعارها برای سراسری شدن مبارزات، شعارها و خواستههایی که کلیدی اند، اشاره داشت. در این بحث دفتر سیاسی روی مسائل عمومی اتفاق نظر داشت و رفقا در بحثها روی جنبه های عملی، مسائلی که جامعه حول آن قطبی میشود، از جمله مسئله فقر و سرنگونی تاکید داشتند.

اطلاعیه پایانی جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری – حکمتیست

آخرین دستور جلسه دفتر سیاسی انتخابات بود. سیاوش دانشور با اکثریت آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی حزب انتخاب شد. سپس انتخابات اعضای هیئت اجرائی دفتر سیاسی برگزار شد. رفقا رحمان حسین زاده، صالح سرداری، پروین کابلی، آذر ماجدی و ناصر مرادی بعنوان اعضای هیئت اجرائی دفتر سیاسی انتخاب شدند. هیئت اجرائی در اولین جلسه خود رفیق ناصر مرادی را بعنوان دبیر اجرائی حزب انتخاب کرد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست

۶ مرداد ۱۳۹۹ – ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۰

از کارگران شهرداری مریوان حمایت کنید!

در رابطه با اعتراض کارگران شهرداری مریوان

اسماعیل ویسی

علنی و به خیابانها بکشانید! بطور همزمان دست از کار بکشید. وگرنه اوضاع بر همان پاشنه خواهد چرخید.

مردم آزادیخواه و فعالین اجتماعی- کارگری شهر مریوان

کارگران شهرداری مریوان برای دستیابی به مطالبات بر حق شان، به حمایت عملی و همبستگی اجتماعی احتیاج دارند. آنان را یاری دهید، تا شهرداری مریوان و نهادهای مربوطه، به برآورده کردن خواسته هایشان گردن بنهند. این تنها راه عملی و توفعی ممکن و عملی است. زنده باد همبستگی اجتماعی کارگری- توده ای!

اسماعیل ویسی

۱۰ مرداد ۱۳۹۹ – ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۰ esmil.waisi@gmail.com

من به هیچ خرافه‌ای، به هیچ ناحقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان ننشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی- جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم. "منصور حکمت"



نه به فقر، نه به تبعیض، مرگ بر جمهوری اسلامی!

خروش کارگران هفت تپه ۴۸ روز اعتصاب و مقاومت

امروز شنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۹، کارگران هفت تپه ۴۸مین روز اعتصاب شان را با تظاهرات و خروش گسترده مقابل فرمانداری برگزار کردند. امروز هیئتی سه نفره از مجلس اسلامی به شوش آمد و کارگران با شعار "مرگ بر اسد بیگ"، "خوزستان بیچاره مسئول خوب نداره"، "نه رستمی نه بیگی، شرکت بشه دولتی" به استقبال آنها رفتند. یکی از نمایندگان مجلس که برای "بررسی مشکلات کارگران" آمده بود بعد از ده دقیقه از گرمای شدید بی حال شد و برخی از کارگران مجبور شدند به وضعیت وی رسیدگی کنند.

بنا به قرار و پروتکل جلسه ۱۷ تیر وزارت تعاون تهران که نمایندگان وزارتخانه های دولتی و قوه قضائیه و کارفرما در آن حضور داشتند، دستجمعی [متعهد و موظف] شدند که حقوق معوق کارگران حداکثر تا دیروز ۱۰ مرداد پرداخت شود و همینطور تامین اجتماعی دفترچه های بیمه را تا آخر سال تمدید کنند. این قرارها و تعهدها مانند همیشه هیچ و پوچ شد. کارگران بشدت عصبانی اند و خواهان نقد شدن فوری مطالبات معوق، بازگشت به کار همکاران اخراجی و لغو و برچیدن بخش خصوصی در هفت تپه هستند. در این فاصله البته مرتباً تهدید کارگران، اجاره زمینها توسط تیم مدیران اسدیگی و خارج کردن اموال شرکت برای فروش ادامه داشته که تاکنون در دو مورد کارگران اجاره کنندگان را از شرکت بیرون کردند و در یکمورد از خروج اموال شرکت جلوگیری کردند. اعتصاب هفت تپه ادامه مبارزه ای است که در سه سال گذشته در جریان بوده و خواهان تعیین تکلیف قطعی شرکت و بازگشت آن به دولت با نظارت کامل کارگران است. اعتصاب هفت تپه دریچه ای به بروز اعتراض انباشت شده و گسترده طبقه کارگر ایران علیه فقر و فلاکت اقتصادی و بیکاری و ناامنی شغلی است. آغاز اعتراضات کارگران نفت و پتروشیمی ها، اعتراض به شرکتهای پیمانی و مشکلاتی که این شرکتهای بعنوان یک بازوی باصلاح خصوصی سازی برای موقعیت شغلی و حقوق کارگران در مراکز صنعتی ایران ایجاد کرده اند، بخش دیگری از تصویر این مبارزه وسیع و پتانسیل رشد سریع آنست. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به استقامت و مبارزه پیگیر کارگران هفت تپه در گرمای وحشتناک و وضعیت کرونائی و قرمز خوزستان درود می فرستد. هفت تپه اعتراض طبقه کارگر ایران را نمایندگی میکند. همبستگی ایجاد شده حول اعتصاب هفته تپه را باید قدر دانست و آگاهانه آنرا تقویت کرد. از اعتصاب هفت تپه با ابتکارات مختلف حمایت کنیم، تقویت همبستگی کارگری و برافراشتن پرچم اعتراض کارگری در اینروزها حیاتی است. بویژه کارگران در خوزستان و مردم شوش در این تلاش نقش مهمی دارند. زنده باد هفت تپه، درود بر رزم و اتحادتان!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ مرداد ۱۳۹۹ - ۱ اوت ۲۰۲۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

آزادی، برابری، حکومت کارگری



زنده باد کارد آزادی
به کارد آزادی پیوندید

آدرس تماس با رهبری کارد آزادی

Gardd.azadi@gmail.com

0046739498231



تلویزیون پرتو

رسانه تصویری مزب حکمتیست

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

Email:saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که هر
ماه یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه : همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

زنده باد تشکیل شوراها!